



Loss of Intangible Property

Armin Akhtarkavan¹, Mohammad Gholamalizadeh^{*2}, Saleh Yamrali³

1. Department of Law, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Department of Theology, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:297-308

Article history:

Received: 08 May 2024

Edition:08 Jul 2024

Accepted:28 May 1403

Published online: 23 Dec 2025

Keywords:

Loss, Property, Intangible Property, Forfeited Property.

Corresponding Author:

Mohammad Gholamalizadeh

Address:

Iran, Tehran, Payame Noor University, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-5980-9942

Tel:

02122442034

Email:

M_gholamalizadeh@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aims: According to the civil law definition of sale and jurisprudential approach in this regard, intangible property is one of the important issues of property and sale, which is a point of disagreement. One of the issues in this regard is the loss of intangible property, which, due to the silence of the legislator, is one of the basic challenges regarding intangible property that needs to be discussed. Accordingly, the purpose of this article is to investigate the loss of intangible assets.

Materials and methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that if the truth of the title of property is possible on non-material examples, there is no obstacle in the spread of the rules governing the destruction of confiscated property and even the usurpation of that property.

Result: The result is that intangible property, regardless of its unique characteristics, is primarily considered a full-fledged property and can be attacked and even usurped by other persons, and even after illegal usurpation and usurpation, it can be destroyed. and create tasks for the usurper according to the type of property and its context.

Cite this article as:

Akhtarkavan, A; Gholamalizadeh, M; Yamrali, S. *Loss of Intangible Property*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



دوره هفتم، شماره ۵، سال ۱۴۰۴

تلف اموال غیرمادی از منظر فقه و حقوق

آرمین اختر کاوان^۱، محمدغلامعلی زاده^{۲*}، صالح یمرلی^۳

۱. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

۳. گروه الهیات، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با توجه رویکرد قانونگذار و دیدگاه فقه نسبت به مال و آنچه از مفهوم «عین اموال» قابل برداشت است، مرزبندی انواع اموال و واکاوی امکان تسری اقتضانات خاص اموال مادی به اموال غیرمادی، امکان و فرصت بررسی تلف اموالی که فاقد وصف تکون‌اند همچون مال مجازی را پدید می‌آورد. سکوت قانونگذار در این خصوص، چالشی اساسی در انداخته است؛ بر همین اساس هدف مقاله حاضر، بررسی تلف اموال غیرمادی و امکان تسری قواعد تلف به این نوع اموال است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد اگر صدق عنوان مال بر مصادیق اموال غیرمادی ممکن باشد، مانعی در تسری قواعد حاکم بر تلف اعیان مغضوبه به اموال مادی به چشم نمی‌خورد. چه اینکه هر مالی قابل اختصاص یافتن است و باید از هرگونه تعرض مصون باشد در واقع قواعد حاکم بر غصب و تلف اموال، به منظور احتراز از تعرض و بی‌حرمتی به اموال اشخاص به انحاء مختلفه وضع شده است.

نتیجه: اموال غیرمادی، صرف نظر از ویژگی‌های منحصر به فرد، در بدو امر، یک مال تمام عیار محسوب می‌شوند و می‌توانند از سوی اشخاص دیگر، مورد تعرض و حتی غصب قرار گیرند و حتی بعد از غصب و استیلا غیرقانونی، تلف شده و برای غاصب تکالیفی را به فراخور نوع مال و بستر آن، ایجاد نمایند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۹۷-۳۰۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

واژگان کلیدی:

تلف، مال، اموال غیرمادی، اموال مغضوبه.

نویسنده مسئول:

محمدغلامعلی زاده

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام‌نور، گروه حقوق.

تلفن:

02122442034

کد ارکید:

0000-0002-5980-9942

پست الکترونیک:

M_gholamalizadeh@yahoo.com

۱. مقدمه

پذیرای ضمانت اجرای قوانین موضوعه فعلی در باب تلف مال مغصوبه باشد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد اگر صدق عنوان مال بر مصادیق غیرمادی ممکن باشد، مانعی در تسری قواعد حاکم بر تلف اموال مغصوبه و حتی غصب آن اموال به چشم نمی‌خورد چه اینکه هر مالی قابل اختصاص یافتن است و باید از هرگونه تعرض مصون باشد.

۵. بحث

اموال غیرمادی، به تمامی اموالی گفته می‌شود که در عالم خارج، وجود عینی و ملموس نداشته، بنابراین، با چشم، قابل دیدن نیستند و در نتیجه، قابل اشاره نیز نمی‌باشند. اموال غیرمادی به علت داشتن وجود اعتباری و غیرفیزیکی محل وقوع اعتباری دارند. به همین دلیل هدف مقاله حاضر بررسی تلف اموال غیرمادی است.

۵-۱. مفهوم مال غیرمادی و ضابطه**تشخیص آن**

به رغم اینکه پذیرش قانونی اموال غیرمادی در تعبیری همچون حق سرقفلی، حق چاپ و ... منعکس و به تعبیری در ادبیات حقوق موضوعه مشهود است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ۳۰۲-۵۹)؛ اما تصریح حقوق موضوعه به مواردی محدود و معدود، اموال غیرمادی را استثنایی بر اصل نمی‌نماید چه اینکه مالکیت رابطه و علقه‌ای

با تحولات عصر حاضر، فناوری و بستر غیرمادی آن، جز جدایی‌ناپذیر مراودات اشخاص در حوزه اقتصاد و روابط مالی به شمار رفته و اقتضات نوینی را در زمینه اموال و حقوق مربوط بدان پدید آورده است به حدی که قواعد حقوقی را ناگزیر از همگام شدن با تغییرات موصوف نموده و بر لزوم صدق تکون در خصوص اموال و ضرورت مادی بودن ساختار آن، خط بطلان کشیده است. اموال با سیری روبه رشد، در بستر فضای مجازی و غیرمادی، به موازات عالم مادی در حال نقل و انتقال، ذخیره و تصرف‌اند و هر آینه، مصادیق و حتی مفاهیمی جدید به دایره شمول آنها افزوده می‌گردد به حدی که صرف نظر از اموال غیرمادی که نوعاً قابل تقویم به پول و قابل اختصاص یافتن‌اند، خود پول و وجه نقد نیز دستخوش تحولات ناظر بر حوزه دیجیتال شده است. در این میان و با پدیدار شدن اموال غیرمادی، انحاء مختلفی از روابط حقوقی نیز بین اشخاص شکل گرفته است که در پژوهش حاضر، امکان و چگونگی تسری آثار و احکام تلف اموال مغصوبه مادی بر تلف اموال مغصوبه غیرمادی، مورد بحث و بررسی واقع شده است. در واقع امر با لحاظ اینکه در فقه امامیه، تکون و ساختار مادی مال، موضوعیت دارد، طبیعتاً تسری آثار و قواعد حاکم بر یک نظام سنتی مانند غصب به اموال نوظهور، با چالش‌هایی مواجه است و در تحقیق حاضر سعی نگارندگان، یافتن مفهومی دقیق از اموال غیرمادی است و اینکه اساساً آیا تلف مطلق نظر قانونگذار می‌بایست معطوف و ناظر بر اصل و فیزیک مال باشد و یا اینکه مال غیرمادی نیز می‌تواند دستخوش تلف شود و

یافتن و متضمن ارزش اقتصادی بودن است، مال غیرمادی محسوب می‌گردد چه مالیت، حاصل فکر باشد و چه اعتباری قراردادی و بعضاً جمعی، به آن مالیت بخشد مانند ارزش‌های دیجیتال، نرم افزار طراحی شده توسط یک متخصص و ...

در تبیین ماده نزاع می‌توان اینگونه اظهار داشت که مال غیرمادی به رغم برخورداری از ارزش اقتصادی و قابلیت داد و ستد، از وصف تکون برخوردار نبوده و در عالم ماده نیز قابل لمس نیست که البته ملموس نبودن این قسم از مال، نافی امکان استیلای بر آن نیست چه اینکه مال در تعبیر عرفی و حتی ادبیات مستعمل در حقوق موضوعه، می‌تواند در خصوص پول مجازی و یا اموال غیر قابل لمس اعتباری نیز مصداق داشته باشد هرچند به نظر تنها کالایی که ارزش مبادله‌ای محض دارد، پول است و از این حیث مفهوم مال در آن مستغرق است.

در حقوق موضوعه نیز مقصود واقعی قانونگذار از امکان تسلیم مال و تصرف در آن، نه تصرف مادی بلکه استیلای بر مال و متمکن بودن صاحب مال از انحاء تصرفات است خصوصاً اینکه مال غیرقابل لمس و غیر فیزیکی نیز می‌تواند تحت استیلای صاحب آن در آید بی‌آنکه نیاز باشد به قبض مادی وی (در مفهوم اخص) برسد کما اینکه مفهوم سپرده و کارت‌های اعتباری نیز متضمن همین امر است و ما بی‌آنکه اموال نقد خود را مانند گذشته لمس نماییم، از طرق مختلف من جمله کارت‌های اعتباری و یا بسترهای اینترنتی، آن اموال را مورد تصرف خویش قرار می‌دهیم.

شاید با ملاحظه برخی مواد و نصوص قانونی مانند ماده ۳۳۸ قانون مدنی این شائبه ایجاد شود که استعمال لفظ عین در مقابل سایر انواع اموال، دلالت بر قصد قانونگذار مبنی ضرورت قابل لمس

اساساً اعتباری است و ضرورت ندارد متعلق حق اعتباری مالکیت، در عالم خارج نیز لزوماً به لحاظ مادی موجود باشد (خویی، ۱۴۱۲، ج ۲، ۲). فلذا تصور و تلقی حقوقدانان سنتی و حتی فقها از مال، موید ضرورت وجود آن در عالم خارج نیست مضافاً بر اینکه از نقطه نگاه علمای حقوق، ضابطه غالب در خصوص مالیت داشتن و تعریف مال نیز معطوف به داشتن ارزش اقتصادی، قابلیت اختصاص یافتن و امکان داد و ستد آن است (امامی، ۱۳۸۲، ۶۲).

اموال غیرمادی حسب تعبیر برخی، حاصل ذهن و تفکر انسان است و از این حیث به اموال فکری نیز مشهور است (صفایی، ۱۳۸۵، ۲۲۷). اما آنچه در این مقاله نگارندگان در پی آن هستند القای تعریفی فراتر از فکری بودن اموال غیرمادی است چه اینکه اموال فکری یکی از انواع و انحاء اموال غیرمادی محسوب می‌شوند و نه تمام آن و از این حیث ممکن است اموال غیرمادی هیچگاه مستقیماً حاصل تالیف و یا تفکر یک انسان نباشند مانند ارزش‌های دیجیتال، سهام شرکتها، امتیاز تلفن و ...

مرزبندی بین اموال مادی و غیرمادی که از دیدگاه سنتی ابتدائاً به وصف تکون مال برمی‌گردد، صرف نظر از اینکه در صدق عنوان مال بر دو نوع آن (اعم از مادی و غیرمادی) اشکالی وارد نمی‌آورد، موید این برآمد است که هرآنچه دارای ساختار مادی باشد و اجزایی ملموس برای آن تصور شود (وصف تکون)، جز اموال مادی است و هرآنچه که به ماهو دارای ارزش اقتصادی مشروع باشد ولیکن در عالم ماده قابل تعرفه نباشد و از طرفی همانگونه که گذشت فاقد وصف تکون و اجزای مادی باشد توجهاً به اوصاف جوهری مال که همانا قابل اختصاص

استثنا تلقی نمودن اموال غیرمادی، نظریه‌ای بدور از واقعیات عرفی و حتی مولفه‌های مطمح نظر حقوق موضوعه در خصوص بازشناسی اموال است هرچند اگر پذیرش اموال غیرمادی به عنوان مال به ماهو مال، تخصیص به شمار آید، دایره شمول این اموال به قدری تخصیص خورده که انصراف مال به اموال مادی صرف را با استهجان مواجه ساخته است.

این احتمال وجود دارد با مطالعه پژوهش حاضر و مذاقه در اهداف آن، این سوال ایجاد شود که صرف نظر از اختلاف نظریات مربوط به عدم صدق مال بر اموال غیرمادی، باتوجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر مبتنی بر تسری قواعد حاکم بر تلف به اموال غیرمادی است، اساساً اموال غیرمادی حتی اگر مال تلقی شوند، چگونه می‌توانند عینیت و تعیین داشته باشند تا امکان تحقق تلف، غصب و وقایع حقوقی دیگر بر آنها وجود داشته باشد؟ چه اینکه بر فرض پذیرش بی چون چرای اموال غیرمادی به عنوان مال (به ماهو مال)، غصب و ضمانت اجرای ناظر بر آن، به صراحت ماده ۳۱۱ قانون مدنی (قسمت اخیر) متضمن استرداد عین مغصوبه و یا تسلیم و تادیه مثل و یا قیمت آن است و از این حیث ملبس نمودن اموال غیرمادی به وصف عین، چالشی دیگر است.

در پاسخ به ابهام فوق چند گزاره قابل طرح است؛ (۱) همانگونه که در بیع گذشت، عینیت داشتن به وصف تکون مال و مادی بودن ساختار آن بر نمی‌گردد و با نگاهی به مصادیق متعارف و پذیرفته شده از مال، می‌توان ظهور خارجی یک رابطه‌ی اعتباری را نیز، عین تلقی نمود حتی اگر از حقیقت عین به دور باشد، استعمال «مجاز» با لحاظ علاقه، کلام و استعمال را صحیح می‌نماید

و ملموس بودن عین موضوع معامله دارد و مصادیق خارج از محدوده اعیان، قابل ابتیاع نیستند لیکن همانگونه که برخی اندیشمندان ابراز فرموده‌اند، تعبیر «عین» به منظور احتراز از عقد معین «اجاره» به کار گرفته شده است که موضوع آن بر «منفعت» استوار است (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۲۵). حتی اگر استدلال اخیر با این دیدگاه که واژه «عین» منعکس در ماده ۳۳۸ قانون مدنی و ماده ۳۱۱ قانون مدنی، قسیم تعابیر و مواردی همچون عین خارجی، عین غیرمادی و ... باشد (که به نظر اینگونه نیست)، همانگونه که احدی از حقوقدانان ابراز فرموده‌اند، به حدی در قوانین خاص و پراکنده، ضرورت تکون مبیع و مال موضوع داد و ستد تخصیص خورده است که نمی‌توان به صرف تعبیر عین منعکس در ماده ۳۳۸، عین را ناظر بر اموال مادی دانست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ۷۸)

علی‌ایحال از آنجایی که مالیت صرف نظر از مفهوم مال، یک رابطه اعتباری است، باید انحا آن را حتی در خرید و فروش‌های غیرمادی پذیرفت و این موضوع به کرات در قوانین موضوعه همچون فروش سهام شرکت‌ها، انتقال حق سرقفلی، حق تالیف، قرارداد واگذاری نرم افزار و ... پیش بینی شده است و حتی در فقه نیز با وجود اطلاع از شرط و لزوم قابل تملک بودن آنچه به عنوان مهریه تعیین می‌شود، برخی فقها نظر بر این مهم دارند که مهریه با وجود اینکه ملک زوجه است، می‌تواند آموزش مصحف شریف باشد (طوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۳۶۶) و این امر به وضوح بر تأکید برخی حقوقدانان مبنی بر ضرورت عینی و مادی بودن مال، خط بطلان می‌کشد و این پافشاری قطعاً نمی‌تواند در مقابل پدیده‌های نوظهور مجازی و اعتباری تاب‌آوری داشته باشد؛ لذا

۵-۲. دلایل پذیرش تلف اموال غیرمادی به عنوان یکی از مصادیق قسمت اخیر ماده ۳۱۱ قانون مدنی

امروزه معاملات و مراودات اموال غیرمادی نظیر حق سرقتی، حق تألیف، حق اختراع، سهام شرکتها و بسیاری از اموال غیرمادی دیگر من جمله رمز ارزها و ... شایع و متعارف است و امکان داد و ستد این نوع اموال نیز وجود دارد. در بادی امر، حسب استعمال لفظ «عین» در ماده ۳۳۸ قانون مدنی، ظاهراً اموال غیرمادی از شمول ماده اخیرالذکر خروج دارند اما صرف نظر از امکان تسری لفظ «عین» به اموال غیرمادی که در ادامه مورد بحث و بررسی واقع می شود، به نظر می رسد لزوم استرداد عین مغضوبه و یا التزام به تادیه قیمت عین مغضوبه ی تلف شده، به قدر مسلم، حداقل از حیث مصادیق خارجی (ونه ضمانت اجرای حقوقی)، قابل تحقق باشد در واقع صرف نظر از بحث بر سر امکان تسری عین به اموال غیرمادی، در عالم واقع اموال غیرمادی نیز می توانند مورد تعرض اشخاص ثالث قرار گیرند و از این حیث با عنایت به اینکه درخصوص مال دانستن آنها شک و شبهه ای وجود ندارد (حتی اگر در خصوص عین بودن آنها بحث باشد)، تسری ضمانت اجرای ناظر بر اموال مادی به این نوع از اموال (غیرمادی) اجتنابناپذیر به نظر می رسد. مضافاً بر مطلب فوق الذکر، جهت جلوگیری از خلط مبحث می بایست خاطر نشان کرد، تلقی فقه از عین، آنچیزی است که در مقابل منافع و همچنین انحاء درجات مترتب بر مالکیت قرار می گیرد و نه اینکه مال غیرمادی، قسیم عین باشد مضافاً براینکه هر مالی چه مادی و چه غیرمادی، همواره یک ظهور و نمود بیرونی دارد و حتی حسب نظر صریح صاحب نظران این حوزه،

مضافاً براینکه الفاظ همواره محمول بر معانی عرفیه بوده اند و عرف نیز مال را منحصر در عین مادی نمی داند.

۲) غصب اموال غیرمادی نیز با لحاظ مصادیق غیرمادی غصب که همانا استیلا بر مال و یا حق غیر است، به طور قطع و یقین در مورد اموال غیرمادی نیز مصداق دارد چه اینکه به طور مثال غصب کیف ارز دیجیتال کاملاً به صورت غیرمادی انجام می شود حتی اگر ظهور بیرونی داشته باشد. ۳) صرف نظر از گزاره فوق الذکر، قانونگذار در ماده ۳۰۸ قانونی مدنی، استیلا بر حق غیر را به عنوان رکن تحقق غصب آورده است و اینکه در ماده ۳۱۱ تأکید شده است که اگر عین تلف شد، غاصب باید عین و یا در فروضی مثل و قیمت را متقبل شود، دلالتی بر عدم تحقق غصب در خصوص اموال اعتباری ندارد و از طرفی با صدق عنوان مال بر اموال غیرمادی و یا اعتباری، نوبت به دسته بندی ثانویه تحت عنوان مثلی و یا قیمی بودن می رسد که حسب طبع اموال غیرمادی، ضمانت اجرای خاص و منحصر به فرد ماده ۳۱۱ را به دنبال دارد.

۴) در بحث غصب اموال اعتباری، تعیین مرز بندی دقیق بین غصب و عناوین تعریف شده دیگر من جمله سرقت رایانه ای، سرقت ادبی، نادیده گرفتن حق تألیف و غیره می بایست مطمح نظر واقع شود. هرچند غصب به عنوان الزام خارج از قرارداد، مبتنی بر مسوولیت مدنی است و امکان تعقیب غیرخصوصی من جمله کیفری و یا انتظامی، نافه مطالبه حق با ابتنای بر قواعد حاکم بر ضمان قهری نیست.

۱) «قلمرو ظاهری و محدود ماده ۳۳۸ قانون مدنی با گسترش دامنه اموال غیرمادی در جهان کنونی سازگار نیست» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۳۰۵).

۲) صرف نظر از اینکه عین بودن از دیدگاه برخی، عنصر سازنده مبیع تلقی نمی‌شود و از دیدگاه ایشان بیع اختصاص به تملیک اعیان ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۲۶۵-۲۶۴)، حتی اگر اعیان، صرفاً اختصاص به محسوسات مادی داشته باشد، این تلقی، در مقام تبیین مفهوم مخالف «عین»، مطمح نظر قانونگذار نبوده است.

۳) «امروزه حقوق مالی فراوانی داخل در مراودات مالی شده که پایه مادی خارجی ندارد لیکن دارای ارزش فراوان است و حقوق باید با استفاده از قواعد کهن، این نهادهای نوپا را به سازمانهای پا گرفته و سنتی پیوند بزند» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۳۰۶). ۴) مضافاً «اینکه چرا اعیان قابل نقل و انتقال به بیع تصور شوند ولی اموال مادی، قابل بیع و به عنوان عین تلقی نشوند، پاسخ محکمه پسندی ندارد و مخالفان بیع اموال غیرمادی دلیل محکمی ارائه نکرده‌اند» (قاسمی، ۱۳۸۲، ۲۵) و از طرفی برای امکان مورد معامله واقع شدن نیز صرفاً محمل قراردادی بیع به عنوان مبنایی منحصر، وجود ندارد و قالب‌های مختلفی امکان معامله در خصوص این اموال را فراهم آورده‌اند و این خود دلالت بر مال بودن و حتی عینیت آنها دارد هرچند در خصوص کلیه اموال غیرمادی نیز ظهور بیرونی قابل تحقق است و در هر حال، این اموال، مستند و دلیلی مادی برای وجود اعتباری خود در عالم ماده یافته‌اند.

۴) اساس مالکیت، نوعی علقه و رابطه ای اعتباری و معنوی با شیء است لذا از این حیث هیچ فرقی بین حق مالکیت بر اعیانی که وجودی محسوس و مادی دارد و حق مالکیت بر اموالی غیرمادی نظیر

عین شامل اموال غیرمادی نیز می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۳۰۶) و این تفسیر در فقه هم سابقه دارد (عاملی، ۱۳۲۶، ج ۴، ۱۴۷) ضمن اینکه برای تحصیل معنای عین، باید به عرف نیز مراجعه نمود، چه اینکه بیع نه حقیقت شرعی است و نه حقیقت متشرعه، بلکه بیع دارای حقیقتی عرفیه است (انصاری، ۱۳۸۲، ج ۱، ۷۹). در واقع با ملحوظ نظر قراردادن عرف در می‌یابیم بیع اموال غیرمادی، نظیر بیع منافع و حقوق، از نظر عرف و حتی فحوی ماده ی موصوف (که در مقام تفکیک عین از منفعت است و نه عین از اموال غیرمادی)، بیع است و این امر حتی دلالت بر تسری لفظ عین، به اموال غیرمادی دارد.

در هر حال امروزه، بیع حقوقی نظیر حق انشعاب برق و آب و امتیاز تلفن، رمز ارزها، سهام شرکت ها، اموال مجازی و الکترونیکی، اعتبارات موجود در فضای الکترونیک و ... را نمی‌توان انکار کرد کما اینکه از نظر برخی از فقها «جواز مبیع قرار گرفتن منافع و خصوصاً حقوق خالی از قوت نیست» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ۴۹۰). «چنان که عموماً کتاب و سنت هم امکان مبیع قرار گرفتن منافع و حقوق در مفهوم بیع را اثبات می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۲۳) لیکن همان‌طور که گفته شد اطلاق لفظ بیع، قسیم منفعت بوده و همین امر هم موجب تمایز بیع و اجاره است و نه متمایز ساخته عین از اموال غیرمادی ...

صرف نظر از مراتب و با التفات به نظریه توسعه مفهوم مبیع به اموال غیرمادی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ج ۲، ۲۳۶) بازشماری مهمترین دلایل توسعه عین به اموال غیرمادی عبارت است از؛

را تسلیم تلقی کند به طور قطع قابل تحقق است مانند هرگونه استیلائی که عرف آن را تسلیم بداند نظیر اجازه نشر و تکثیر...» (امامی، ۱۳۸۲، ۹۸).

فی الواقع می‌توان اظهار داشت عین می‌تواند غیرمادی و فاقد وصف تکون باشد؛ اما ظهور خارجی داشته باشد حتی اگر این وجود خارجی، مستند و مدرک مثبت اصل مال باشد که با وجود مال ملازمه و همبستگی داشته باشد

۳-۵. بررسی جنبه ثبوتی و یا اثباتی مستند و متعلق اموال غیرمادی

اموال غیرمادی به رغم ساختار غیر فیزیکی، آنگاه که تجلی بیرونی می‌یابند و به تعبیری به ظهور می‌رسند، همواره با این ابهام مواجه‌اند که آیا آنچه از اموال اعتباری و غیرمادی نمود بیرونی یافته است، یک دلیل اثباتی غیر سنتی است (مانند ادله دیجیتالی) و یا اینکه به ظهور رسیدن آن با ثبوت و ایجادش ملازمه دارد؟! اهمیت بحث آنجا نمایان می‌شود که چنانچه ظهور بیرونی اموال غیرمادی من جمله نرم‌افزارها، ارز دیجیتال، حقوق مولف و ... صرفاً جنبه اثباتی داشته باشند و صرفاً حکایت از وجودی اعتباری نمایند، بحث از تلف مال و تسری ضمانت اجراهای مربوط به غصب آنها، بسیار مشکل می‌نمایند چه اینکه از بین رفتن دلایل اثباتی اصولاً نمی‌تواند ضمانت اجراهای خاص قانونی ناظر بر تلف عین مال را به دنبال داشته باشد (به جهت وجود نص صریح قانونی) مگر اینکه به لحاظ نوع و طبع برخی از اموال غیرمادی، ادله و مستند مربوط به یک مال یا حق غیرمادی، آنچنان با اصل مال آمیخته شده باشد که تصور انفکاک این دو از یکدیگر محال باشد.

سرقفلی و حق مؤلف و ... وجود ندارد و هر دو دسته را باید بتوان به عنوان عین تلقی کرد و جست و جوی مصادیق مذکور، در مفاهیمی ادنی بر عین که همانا منفعت و ... است، موضوعاً خروج از بحث دارند. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۳۰۵).

۵) «در عرف نیز معاملات ناظر بر انتقال اموال غیرمادی و حقوقی مانند حق سرقفلی، حق تألیف، نام تجاری و سهام شرکتها فروش گفته می‌شود و موادی نظیر مواد ۳۴، ۳۵ و ۳۶ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ و مواد ۷۸ و ۷۹ قانون تجارت تأییدی بر این مدعاست که اموال غیرمادی نیز در تعریف بیع داخل می‌شود. عرف امروزی جامعه ما به این سو تمایل دارد و انتقال حق در مقابل عوض را بیع به شمار می‌آورد و پیشتر بیان شد که ملاک در تحدید معاملات و موضوع آنها عرف است. حقوقدانان نیز تصریح کرده‌اند که رهایی از قید عین به ماهو عین و دارای مادیت، در ماده ۳۳۸ قانون مدنی نوعی نزدیکی به عرف و معقول شدن قواعد است و این مهم آرمان مطلوب هر نظام حقوقی است و باید گفت که این رهایی گامی به سوی عدالت و معقول شدن نیز دانسته می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۳۰۶) مضافاً براینکه «در حقوق بیشتر کشورها، انتقال اموال غیرمادی به صراحت در مفهوم بیع گنجانده شده است» (السنهوری، ۱۹۹۸، ج ۸، ۱۱۹).

علی‌ایحال عرف، مصادیق بیع را به تملیک اموال غیرمادی نیز توسعه داده است و این همانا توسعه یافتن مفهوم عین است خصوصاً اینکه در خصوص آثار تسلیم، عنصر اصلی تسلیم در اختیار نهادن و استیلائی خریدار بر مبیع است و نوع و نحوه ی آن در خصوص انواع مختلف اموال متفاوت است و در خصوص اموال غیرمادی نیز به نحوی که عرف آن

بدون شک هرآنچه در فضای غیرمادی خلق می شود و به عنوان مال و یا حق، واجد ارزش اقتصادی می شود حتی اگر مبتنی بر حقوق معنوی و فکری باشد، می تواند به صورت فیزیکی به ظهور برسد و یا اینکه همسو با طبع مال غیرمادی، به شکل غیرمادی و در بستری مجازی تحقق و عینیت یابد لذا با این مقدمه باید متذکر شد مستندات و ادله اثبات الکترونیکی و غیرمادی، صرفاً دلیل بر وجود یک امر غیرمادی اند و تلف ادله نمی تواند به مثابه تلف اصل مال تلقی شود و پذیرای قواعد حاکم بر غصب و یا اتلاف باشد.

به رغم تصریح ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک مبنی بر اینکه داده پیام و تبادلات الکترونیکی دارای ارزش اثباتی است و نمی توان آنها را نادیده گرفت لیکن عمومات ماده موصوف که ناظر بر ادله الکترونیکی و دیجیتال حتی در خصوص امور مادی و عینی است را نباید با بحث اموال غیرمادی و ادله اثباتی ناظر بر اموال غیرمادی، منطبق و دارای همپوشانی دانست چه اینکه بحث مقاله ی حاضر صرفاً ناظر بر ادله غیرمادی ناظر بر اموال غیرمادی و انفکاک این دو از یکدیگر است و نه اعتبار سنجی ادله اثبات الکترونیک و در واقع آنجا که ادله ای الکترونیکی، حکایت از مال و یا حقی مادی می نماید، از موضوع بحث خروج موضوعی دارد.

علاوه بر ماده صریح مذکور در بند فوق الذکر، متاسفانه قانونگذار در قوانینی موازی، صراحتاً اعلام نموده است که استناد پذیری ادله ی اثبات رایانه ای، در صورتی که از سوی طرف دعوا یا ثالث ایجاد، ذخیره و یا متصل شده باشد، قابل پذیرش است لذا با این طرز تلقی، مهم ترین فرضیه ای که به ذهن خطور می کند، اصل بودن عدم پذیرش

ادله ی الکترونیکی و لزوم احراز شرایط صحت و نفوذ آن است هرچند به اعتقاد برخی، این ابهام نیز با مقرره فوق همراه است که تکلیف داده های (السان؛ منوچهری، ۱۳۹۷، ۳۸) مضافاً بر اینکه هر تعرض و یا اتلاف داده های الکترونیکی مصداق غصب، تلف و یا سرقت محسوب نمی شوند و چه بسا اطلاعات الکترونیکی که اساساً مال نیستند تا بحث در خصوص تلف اموال و تسری ضمانت اجرای ناظر بر غصب در خصوص آنها مصداق داشته باشد (السان، ۱۳۹۱، ۱۳۰). و یا به تعبیر برخی محققین حوزه تجارت الکترونیک، ممکن است حتی اموال غیرمادی و به تعبیری معنوی، با عملیاتی همچون متاتگ (metatag) از یک پایگاه اینترنتی با کلیدواژه هایی کاربران را از پایگاه اصلی به پایگاه خویش منتقل کند (صادقی نشاط، ۱۳۹۴، ۲۲۱). و اساساً غصب در مفهوم استیلا بر یک مال و یا حق غیرمادی محقق نگردد.

صرف نظر از بحث در خصوص مطلق ادله های الکترونیکی، ادله های الکترونیکی و غیرمادی در خصوص اموال غیرمادی، با اصل مال ملازمه داشته و به نوعی بدان گره خورده و متضمن ارزش آن اند لذا اینکه عنوان شود ادله الکترونیکی در اموال غیرمادی صرفاً معرف آن اند و بر آن دلالت می نمایند به نظر نمی تواند یقیناً صحیح انگاشته شود چه اینکه در اموال غیرمادی ما ظهوری جز ظهور مجازی نداریم و آنچه در عرصه و بستر مجازی و غیرمادی قابل مشاهده و رویت است همان مال و حق اعتباری است کما اینکه ارزشهای دیجیتال اعم از ارزشهای مجازی و رمز ارزشها، بر اساس الگوریتم ریاضی ساخته و پرداخته می شوند (سیاهبیدی کرمانشاهی و همکاران، ۱۳۹۹،

آنچه در خصوص اموال مادی می‌تواند نقطه اتکالی بحث باشد، داده پیام است و داده پیام در قانون تجارت الکترونیک هر نمادی از واقعه، مفهوم و یا اطلاعات است که حتی میزان اعتبار آن را برخی همتراز با اسناد رسمی دانسته‌اند لیکن همانگونه که قانون موصوف ابراز داشته است، داده پیام، نمادی است از واقعه و آنچه در بستر الکترونیک مبادله می‌شود و یک نمود بیرونی از یک واقعیت، اطلاعات و یا مفهوم است به عنوان مثال ناشر پول الکترونیکی برخلاف ناشر پول قانونی، اقدام به خلق و ایجاد پول نمی‌کند، بلکه نشانه‌های الکترونیکی با وصف پول الکترونیکی را در اختیار متقاضی قرار می‌دهد هر چند پول الکترونیک زاییده توافق و قرارداد است و در ابتدا و انتهای چرخه حیات خود با پول قانون (عبدی‌پور، ۱۳۸۹)

۴-۵. تلف اموال غیرمادی

صرف نظر از اعتقاد برخی از پژوهشگران مبنی بر اینکه مالکیت فکری ناظر بر مالی قیمی است (محمودی، ۱۳۹۱، ۹۲) و صدق عنوان مال مثلی بر مالکیت معنوی و فکری متعذر است و این امر فی نفسه دلالت بر قرارگرفتن اموال معنوی در کنار تقسیم‌بندی دیگر اموال همان «عین مادی» دارد، این گزاره باید مورد عنایت واقع شود که تمام اموال غیرمادی برخلاف دیدگاه فوق‌الذکر ناظر بر تراوشات فکری نیستند و گاهاً ریشه در یک قرارداد اعتباری دارند که نتیجه آن ایجاد یک مال غیرمادی است و از طرفی در حقوق فراگیر امروزه که ملازمه با فضای الکترونیکی و مجازی دارد، نمی‌تواند مال غیرمادی را لزوماً ناشی از حقوق مالکیت معنوی و یا فکری دانست. لذا اقتضائات حاکم بر این حوزه موید بررسی فراتر از اموال معنوی است و همانطور که پیشتر اشاره شد با

۶۲). هر چند در خصوص رمز ارزها که در این نوع خاص از مال اعتباری، بستری تحت عنوان بلاک چین به عنوان بانک اطلاعاتی کاربران، سوابق معامله اشخاص را مانند دفترکل در خود ذخیره می‌کند، شاید مثال نقضی برای عدم مطابقت کامل بین ادله اثبات الکترونیک و نفس مال اعتباری (غیرمادی) تلقی شود لیکن این اشتباه باید از ذهن زدوده شود چه اینکه بلاک چین حق مالی شخصی را که اطلاعات وی دستخوش تصرفات من غیر حق شده است را تضمین نمی‌کند و با این مقدمه، وجود دیتابیس و یا دفترکل مانند بلاک چین نیز نمی‌تواند نافی انطباق معرف و مستندهای الکترونیکی در خصوص اموال و حقوق غیرمادی باشد (سلطانی، ۱۳۹۰، ۲۷)

شاید شخصی اشکال ملموس تری را به گذاره فوق وارد آورد که اگر اسناد و ادله غیرمادی ناظر بر اموال غیرمادی برهم منطبق‌اند، چنانچه در سیستم‌های بانکی و مالی و اعتباری موجود، اموال غیرمادی اشخاص دستخوش تصرفات من غیر حق شوند، آیا مرکز داده مربوط به موسسات تجاری نمی‌تواند حقوق مالکانه اشخاص واقعی و به تعبیری مشتریان خود را شناسایی نموده و ملحوظ نظر قرار دهد در این خصوص نیز باید معروض داشت، آنچه در فضایی مجازی در خصوص اموال اشخاص نزد موسسات قانونی مورد تعرض واقع می‌شود، لزوماً به واسطه وجود یک مرکز داده، قابل عودت نیستند و به همین دلیل است که در اینجا بحث مسوولیت مدنی بانک‌ها و موسسات اعتباری به علت قصور در حراست از داده‌ها پدید می‌آید (احمدی لاشکی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۸۵).

توسعه مفهوم عین مال، اموال غیرمادی نیز به عنوان مبیع مورد معامله قرار می‌گیرند و در خصوص مال بودن آن و تسری لفظ عین بر آنها با لحاظ نمود ظاهری و بیرونی به جمع‌بندی رسیدیم؛ لیکن اینکه تلف این نوع اموال را به مانند اموال مادی محسوس بررسی نماییم به نظر ویژگی‌های خاص این نوع اموال را نادیده گرفته‌ایم و بسیار سهل و خوشبینانه به اختلاف‌های بین اموال مادی و غیرمادی توجه داشته‌ایم. در واقع در مورد تلف اموال غیرمادی به نوعی شاهد تلفی اعتباری هستیم.

در این نوع خاص از اموال، عین مال با معرف و مدرکی ملموس و مادی، نمود خارجی دارد کما اینکه در مورد رمز ارزها؛ کیف دیجیتال، در مورد اعتبارات مالی؛ حساب‌های کاربری مشتریان، در مورد امتیازات مختلف معنوی؛ حق اشتراک و ... به منصفانه‌ی ظهور می‌رسد لذا می‌توان اینگونه عنوان نمود که در اموال غیرمادی نیز ازاله مال با از بین رفتن و تلف نمود خارجی آن اموال و مدرک معرف آن همراه است و سلطه مالک بر آن مال غیرمادی زایل شده است خصوصاً اینکه ضرورت ندارد مالک بر مایملک خویش، استیلا مادی داشته باشد و همانطور که در تعریف استیلا گذشت، امکان وضع تصرفات منطبق با نوع مال برای تحقق استیلا کفایت می‌کند. در واقع علاوه بر مدلول ماده ۳۱۱ قانون مدنی که مبتنی بر ضرورت جبران مثل و یا قیمت مال تلف شده است و تاکید خاصی بر مادی و یا غیرمادی بودن مال ندارد و لفظ عین نیز به منزله‌ی لزوم مادی بودن مال موضوع ماده اخیر الذکر نیست، با نظر بر ماده ۳۸۷ قانون مدنی در باب تلف مبیع قبل از قبض نیز، اگر حکم این ماده چنانکه فقهای امامیه بیان کرده‌اند فقط ناظر به مبیعی باشد که عین

معین است پس در بدو امر قاعده تلف مبیع قبل از قبض در مورد بیع اموال غیرمادی جاری نیست اما به نظر در این خصوص نیز محدودیتی پیرامون تسری احکام قاعده تلف مبیع قبل از قبض به اموال غیرمادی وجود ندارد چه اینکه مال به انحاء درجات و کیفیات، وقتی مجوز مبیع واقع شدن را حسب مراتب پیش گفته و منطق حقوق موضوعه دریافت کرد، محدود نمودن این قاعده و منصرف دانستن آن از اموال غیرمادی فاقد وجهت است کما اینکه تلف اموال غیرمادی در الزامات خارج از قرارداد نیز غالباً با از بین رفتن مستند و مدرکی که معرف اموال غیرمادی اند و نمود بیرونی آنها محسوب می‌شوند همراه بوده و تلف مال غیرمادی امری دور از تصور و غیر قابل تحقق نیست؛ لذا حسب مورد صاحب مال می‌تواند مبادرت به دریافت مثل و یا قیمت مال غیرمادی تلف شده نماید و این تکلیف به نظر با منطق حقوقی و عدالت، همخوانی بیشتری دارد.

به تعبیری حکم ۳۸۷ و ۳۱۱ قانون مدنی صرفاً معطوف به اموال و عین مادی نیست هرچند تنها در حالتی می‌توان این قاعده را به اموال غیرمادی در راستای ماده ۳۸۷ قانون مدنی تعمیم داد که اصل انتقال و محمل آن، عقد بیع باشد لیکن این بحث یک موضع علیحده است. هرچند حتی اگر انتقال اموال غیرمادی به عوض معلوم نیز به جهت محل بحث بودن تسری لفظ عین به اموال غیرمادی بیع شمرده نشود، حکم تلف مبیع پیش از قبض از نظر برخی فقهای موافق قاعده است البته شرط خلاف آن به دلیل ملازمه با مقتضای معاوضه مورد استقبال ایشان واقع نشده است (خوانساری، ۱۴۰۵، ۱۹۰).

صرف نظر از مورد فوق الذکر، طرح مطلبی پیرامون ضمان درک نیز می‌تواند زوایای مختلف

اگر کسی مال غیر را از بین ببرد یا مصرف کند یا از آن استفاده کند و از صاحب مال اجازه نداشته باشد، ضامن است. طبق صریح ماده ۳۸۷ قانون مدنی در اثر تلف مبیع قبل از قبض عقد بیع منفسخ می‌شود. انفساخ عقد موجب انحلال و به هم خوردن عقد است. به نفس تلف، عقد بیع از زمان تلف، منحل می‌شود و اثری نسبت به ما قبل نخواهد داشت و هر یک از عوضین به مالک قبل از عقد منتقل می‌شود، بنابراین هرگاه بایع ثمن را از مشتری اخذ کرده باشد، مشتری آن را از بایع مسترد می‌دارد و در صورتی که نپرداخته، دیگر نمی‌دهد.

۶. نتیجه

در این پژوهش، به بررسی تلف اموال غیرمادی با لحاظ نمودن ویژگی خاص این نوع اموال، پرداخته شد و امکان تسری قواعد خاص تلف، به این نوع از اموال با برآمد مثبت مواجه شد و در واقع نگارندگان پس از واکاوی تعبیر عین و بررسی وصف تعیین در اموال غیرمادی به این نتیجه نائل آمدند که اولاً به قدر مسلم و متیقن، اموال غیرمادی نیز مال تلقی می‌شوند و می‌توانند مورد انواع و انحاء تعرضات قراردادی و یا خارج از قرارداد من جمله غصب، اتلاف و ... واقع شوند و از طرفی ابهامات موجود در خصوص عین تلقی نمودن چنین اموالی را نیز باید از ذهن زدود چه اینکه اولاً واژه عین از اموال غیرمادی انصراف ندارد و به لسان دیگر، غیرمادی بودن اموال، منافاتی با «عین» تلقی نمودن این نوع خاص از اموال ندارد چه اینکه اموال غیرمادی نیز با معرف و مستند به ظهور می‌رسند و قابلیت تعیین دارند و می‌توان آنها را از یکدیگر متمایز ساخت مضافاً بر اینکه عین در مواد مختلف قانون مدنی بعضاً قسیم منفعت و حقوق ادنی بر مالکیت عین تعبیر

تعرض به حقوق مالکانه دارندگان اموال غیرمادی را تبیین نماید چه اینکه به حکم ماده ۳۹۱ قانون مدنی در صورت مستحق للغير در آمدن اموال غیرمادی، بایع ضامن ثمنی است که از مشتری اخذ نموده است و در صورت بی اعتباری و یا فروش اموال غیرمادی فاقد مالیت، فروشنده ملکف به تادیه و استرداد ثمن معامله به خریدار است و از این حیث نیز حکم ماده ۳۹۱ انحصار در اموال و عین مادی ندارد. در واقع امر در خصوص اموال غیرمادی، نوعاً ما به اعتباری غیرقابل لمس مواجه ایم و این اعتبار دارای ارزش اقتصادی است و به تبع این ارزش اقتصادی، اموال می‌توانند به شیوه‌هایی غیرمادی مورد غصب و تعرض واقع شوند لذا صرف نظر از اینکه به نفس اموال غیرمادی تعرض شود و یا به ادله و مستند ناظر بر آنها، تلف اعتباری نوعاً با توجه به طبع اموال اعتباری و غیرمادی ناظر بر یک استیلائی غیرمادی است مانند آنکه شخصی به طرفی بر کیف پول دیجیتالی اشخاص دسترسی پیدا کند و در راستای فعل و انفعالات وی، مال دچار تلف شود. با این وفق ما علاوه بر تلف مادی اموال با تلف اموال غیرمادی نیز مواجه‌ایم که به نظر احکام و آثار تلف و یا تلف مبیع قبل از قبض، همچنین مستحق للغير در آمدن مال غیرمادی نیز می‌تواند ضمانت اجرای خاص آن مواد در خصوص اموال مادی را البته موافق با طبع اموال غیرمادی داشته باشد فلذا حقوق موضوعه نمی‌تواند با این بهانه که اساساً تلف در مورد اموال اعتباری و غیرمادی صدق نمی‌کند، مانع از تسری آثار و احکام تلف به اموال اعتباری شوند. یکی از مشهورترین قواعد فقهی قاعده اتلاف است. مفاد این قاعده همان معنای «من أتلف مال الغير فهو له ضامن» است؛ و معنای این قاعده این است که

شده است و از این حیث حتی ضرورت مادی بودن مال به عنوان شرط تحقق «عین» منعکس در ماده ۳۱۱ قانون مدنی، ۳۳۸، ۳۹۱ و ... نیز منتفی است خصوصاً اینکه عرف نیز چنین معاملاتی را مشروع شمرده است کما اینکه زارعین هنگام ترک مزارع و مهاجرت از مناطق زراعی آثار اعمال و زحماتشان در زمین را می‌فروشد. البته از این نکته نباید غافل شد که تلف اموال غیرمادی غالباً با تلف مستند و معرف این اموال ملازمه دارد و از آنجایی که قانونگذار در تلف عین مغضوبه و یا مواردی شبیه به این، قید خاصی مبنی بر ضرورت مادی بودن «عین» منعکس در ماده ۳۱۱ و یا ۳۳۸، ۳۹۱ قانون مدنی و ... به کار نبسته است، تسری احکام تلف عین مغضوبه و همچنین قواعد تلف و تلف مبیع به اموال غیرمادی، منطبق با قاعده تشخیص داده می‌شود و حتی اگر اصل مال غیرمادی را یک اعتبار و قرارداد (غالباً جمعی و یا حتی حاکمیتی) ایجاد کرده باشد، اساساً این وصف و ویژگی در ایجاد علاقه‌ی مالکیت بین مالک و اموال مادی نیز متبلور است و در واقع اصل مالکیت و مالیت داشتن، یک رابطه‌ی اعتباری است. مضافاً براینکه اموال غیرمادی ممکن است به صورت حکمی نیز تلف شوند (علاوه براینکه تلف آنها می‌تواند با از بین رفتن مستند و معرف بیرونی این نوع اموال، حقیقی باشد) بی‌آنکه ظهور خارجی آنها مورد خدشه واقع شود به عنوان مثال هک رمز دسترسی به ارز دیجیتال که امکان دسترسی مالک به ارز دیجیتال خود را سلب می‌کند و در حکم تلف است.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- احمدی لاشکی، حمیدرضا؛ مقدری امیری، عباس؛ ابهری، حمید، «ادله الکترونیکی اثبات دعوا در دادرسی اداری و مدنی در ایران وفقه امامیه»، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره شانزده، ۱۴۰۲.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، چاپ نهم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲.
- السان، مصطفی، حقوق تجارت الکترونیکی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- السان، مصطفی؛ منوچهری، محمدرضا، «ارزیابی اصالت ادله الکترونیکی و ارزش اثباتی آن‌ها»، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره دوم، ۱۳۹۷.
- سلطانی، محمد، «ادله الکترونیکی و اثبات دعوا در معاملات برخط اوراق بهادار و دریافت تلفنی سفارشات»، مجله بورس اوراق بهادار، شماره سیزده، ۱۳۹۰.

- سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید؛ ثالث مؤید، احمدعلی؛ کوهستانی، محسن، «تحلیل حقوقی ارز دیجیتال و تأثیر آن بر امنیت ملی»، نشریه امنیت پژوهی، شماره شصت و نه، ۱۳۹۹.
- صادقی نشاط، امیر، حقوق تجارت الکترونیک، چاپ اول، تهران، نشر جنگل/ جاودانه، ۱۳۹۴.
- صفایی، سید حسین، حقوق اشخاص و اموال، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۵.
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (تعهدات و قراردادها)، جلد دوم، چاپ اول، تهران، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
- عبدی پور، ابراهیم، «تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی»، نشریه حقوق خصوصی (دانشگاه تهران)، شماره شانزدهم، ۱۳۸۹.
- قاسمی، محسن، انتقال مالکیت در عقدبیع، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (دوره عقود معین)، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود معین - معاملات معوض - عقود تملیکی)، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۱.
- محمودی، اصغر، ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آنها در حقوق ایران، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره یکم، شماره دوم، شماره پیاپی دوم، ۱۳۹۱.
- منابع عربی**
- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المكاسب، جلد اول، چاپ دوم، قم، نشر موسسه مطبوعات، ۱۳۸۲.
- خمینی، سیدروح الهه، تحریرالوسیله، جلد اول، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی (ره)، ۱۳۷۹.
- خمینی، سید روح الهه، کتاب البیع، جلد اول، چاپ سوم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۳.
- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۵.
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، جلد دوم، چاپ سوم، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید جلد چهارم و هشتم، چاپ سوم، بیروت، منشورات الحلبي، ۱۹۹۸.
- طوسی، اَبی جعفر محمدبن حسین، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، جلد چهارم، چاپ سوم، بیروت، ناشر دارصعب/ دارالتعارف، ۱۴۱۵.
- عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، جلد چهارم، چاپ دوم، چاپ مصر، ۱۳۲۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه (کتاب البیع)، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه الامام امیرالمومنین (ع)، ۱۴۱۳.

